

فلسفه مدرک تحصیلی در نظامهای آموزشی آموزش، فراگیری دانش و آشنایی با فنون، اساسا در مقوله کیف می‌گنجد. از این رو، فلاسفه متقدم، علم را کیف نفسانی به‌شمار آورده‌اند، اما آنچه دانش را کمیت‌پذیر می‌سازد، تنوع موضوعات از یک سو و حجم معلومات از سوی دیگر و میزان تبحر و توانمندی فرد در به‌کارگیری نخبه‌های ذهنی و اندوخته‌های علمی خود از سوم سواست. مدرک تحصیلی، یکی از نمادهایی است که بیش از نشان دادن کیفیت، بیان‌کننده کمیت اندوخته‌های ذهنی و گرایش تحصیلی فرد است.

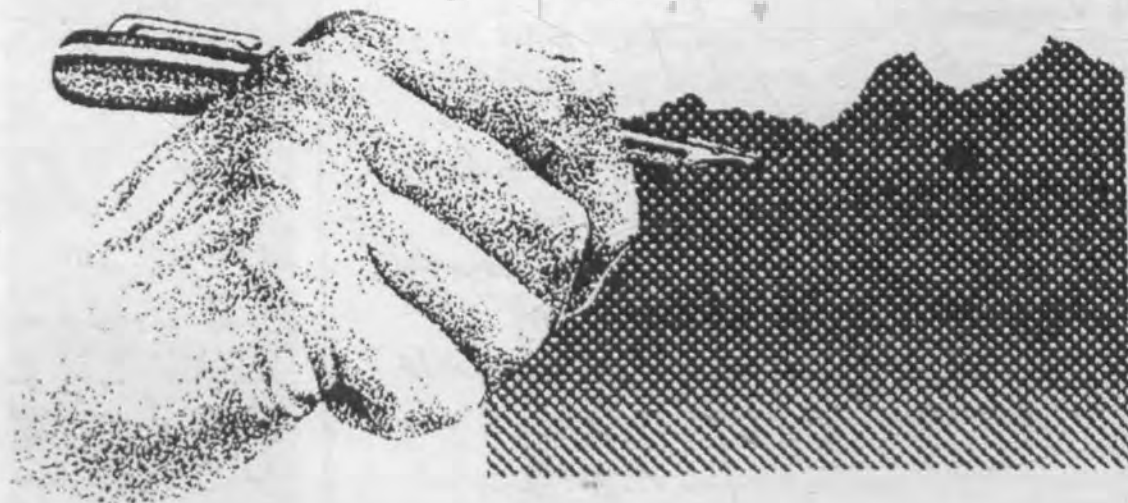
آنچه از تحصیل دانش انتظار می‌رود، آثار و نتایج و توانمندی‌های حاصل از آن است و نه چیزی بیش از آن، و آثار و نتایج را می‌توان در میدان عمل و دستاوردهای عملی شاهد بود. چنان‌که انتظار از دانش طب، درمان دردها و التیام رنجهای در کار طبابت است، انتظار از دانش شیمی، توانمندی در تجزیه و ترکیب مواد و عناصر مختلف ماده برای دستیابی به خاصیت جدید شیمیایی است. انتظار از دانش فقه، توانمندی بر استنباط احکام شریعت و وظایف عبادی از منابع معتبر دینی است. حال فرقی نمی‌کند که صاحبان این علوم مدرکی مکتوب در دست داشته باشند یا نداشته باشند. آنچه جای همه چیز را پر می‌کند، نشان دادن توانمندی‌های فرد در میدان عمل است، چنان‌که خاطرات تاریخی نشان می‌دهد که هرگاه مثلا فردی چون ابن سینا در سفرهای خود وارد شهر یاروستایی می‌شد، هرگز مدرکی در اختیار نداشت

دیدگاه  
چندتن  
از  
صاحب نظران  
در باب  
اعطای مدرک  
به  
حوزویان

حجج اسلام: ترابی؛ حسینی؛ لکزایی؛ دیاری؛  
هاشمی‌کنابادی؛ رجایی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی



تادید و ورود او را بشناسند ولی او با انجام چند کار موفق طبابت همگان را به توانایی‌های خود واقف می‌ساخت.

درباره برخی از فقیهان و فلاسفه نیز چنین موضوعی به ثبت رسیده است که آنان نخست به عنوان شاگردی بی‌نام و نشان به درس استادی سرشناس و نامی حضور می‌یافته‌اند و طی جلسات متعدد و اظهار نظرهای علمی و نقد آرای استاد، دانش خود را به اثبات رسانده تا آنجا که استاد از کرسی درس به‌زیر آمده و مستمع ناشناس را بر کرسی تدریس نشانده است!

باین همه آن چه از گذشته‌های دور، سبب شده تا نوعی مدرک و گواهی ضرورت پیدا کند، چند امر است:

۱. جلوگیری از سوءاستفاده افراد سودجو و عنصری که با تردستی و تزویر خود را به جای دانشمند معرفی کرده تا منافعی را برای خود جلب کنند.

۲. تسهیل شناسایی نیروهای معتمد علمی.

از این رو است که حتی آن روز که مدارک تحصیلی به شکل امروزی آن مطرح نبود، در تمدن اسلامی، برخی از رشته‌های علمی که بیشتر مورد نیاز جامعه است و احتمال سوءاستفاده از آن بیشتر می‌نمود، نوعی مجوز و تأییدیه برای آنها در نظام اجتماعی و علمی تدارک دیده شده بود. مانند طبابت که معمولاً فرد مدعی به وسیله افراد شناخته شده مورد آزمون قرار می‌گرفت و یا علم حدیث در قلمرو مباحث دینی که استاد به شاگرد خود پس از طی مراحل لازم جواز نقل حدیث را به صورت مکتوب اعطا می‌کرد و همچنین مقوله فقاوت و اجتهاد که از دیرباز همراه با اجازه اجتهاد بوده و همچنان ادامه دارد.

توسعه آموزش و تعلیم و تعلم در جوامع بشری از یک سو و گسترش دامنه علوم و نیز تنوع رشته‌های علمی و پیدایش تخصص‌های مختلف از سوی دیگر سبب شد تا نیاز به «مدرک تحصیلی» بیش از گذشته احساس شده و به‌طور جدی‌تر و اصولی‌تری مورد استفاده قرار گیرد.

الگوهای آموزشی و روش‌های مختلف مورد استفاده در این مسیر، در جوامعی چون جامعه در حال توسعه ما بیش از آنکه بومی باشد، غیربومی است و مشکل فرهنگی‌های مصرف‌کننده در استفاده از تجربه‌های فرهنگ مولد این است که الگوها را به شکل ناقص و معیوب مورد استفاده قرار می‌دهند. از آن جمله اینکه در فرهنگ‌های مولد و در جوامع توسعه یافته، معمولاً مدرک، یک معرف ابتدایی است که می‌بایست برای ورود در هر میدان عرضه شده تا شناسایی نیروی مورد نیاز راحت‌تر و سریع‌تر و مطمئن‌تر صورت گیرد. پس از این شناسایی اجمالی، آنچه حرف آخر را می‌زند، توانمندی‌های علمی فرد است.

این در حالی است که در جوامع در حال توسعه و فرهنگ‌های مصرف‌کننده، در موارد زیادی حرف اول و آخر را

مدرک می‌زند و مایوس‌کننده‌تر اینکه مدارک تحصیلی اساساً ماهیت خود را از دست داده و صرفاً بهانه‌ای برای امتیازهای ساختگی اجتماعی و یا حقوقی است بی‌آنکه ملاکی برای شناسایی اطلاعات و توانمندی‌های تخصصی فرد باشد.

### فلسفه اعطای مدرک تحصیلی

چنان‌که یاد شد، اساساً فلسفه اعطای مدرک تحصیلی به دانش‌آموختگان هر رشته تحصیلی دو فاکتور مهم است.

۱. سهولت شناسایی و به‌کارگیری نیروی متخصص و تعیین سطح انتظارها از او

۲. پیشگیری از سوءاستفاده افراد تردست و کم‌مایه که با اتکا به خصلت‌های فردی، خود می‌توانند جایگاه‌هایی را فراتر از توان و تخصص و شایستگی خود تصاحب کنند و راه را بر صاحبان صلاحیت مسدود سازند و یاد دست کم برای زمانی چند فرصت‌ها، امکانات و استعدادها را هدر دهند!

رواج اعطای اجازه اجتهاد و اجازه نقل حدیث - در برهه‌هایی از زمان - به تحصیل‌کردگان حوزوی از دیرباز بوده و هنوز نیز مرسوم است، اما به دلایلی چند این نمونه از اعطای مدرک در زمان حاضر کافی نیست؛ بلکه باید برای مراتب و مراحل مختلف و رشته‌های گوناگون، مدارک و معالم ویژه‌ای را در نظر گرفت. تفاوتی که در عصر حاضر در مقایسه با گذشته پدید آمده است، در موارد ذیل می‌توان جستجو کرد:

الف - گسترش دامنه علوم حوزوی و دینی و درازمان شدن موضوعات، مباحث و منابع در هر رشته علمی مانند: فقه، اصول، کلام، فلسفه، تاریخ، حدیث، تفسیر و تبلیغ، به گونه‌ای که چه بسا به یقین می‌توان اظهار داشت که استعداد‌های متوسط - که بیشترین حجم نیروی انسانی را تشکیل می‌دهند - فرصت نمی‌یابند که بیشتر از یک یا دو رشته حوزوی تخصص لازم را کسب نمایند.

ب. فزونی یافتن نرخ جمعیت جامعه و دشواری شناسایی نیروهای متخصص علوم حوزوی، از طریق تجربه و آزمون عملی.

ج. پدید آمدن میدان‌های متعدد و متنوع خدمات علمی، فرهنگی و اجتماعی برای نیروهای حوزوی، به ویژه پس از تحقق انقلاب اسلامی و نیاز روزافزون دستگاه‌های فکری و تربیتی و فرهنگی و اجتماعی به کارشناسان دینی.

د. پاسخگو نبودن اطلاعات عمومی حوزوی برای برنامه‌ریزی، سازماندهی و هدایت نهادهای فرهنگی و نیازهای اجتماعی نسل‌های مختلف جامعه، و ضرورت پیدایش و رشد رشته‌های تخصصی در زمینه فقه سیاسی، حقوق، مباحث اقتصادی و نیز سایر مقولات علمی، هر کدام متناسب با میدان‌های کارکردی آن.

ه. اعتبار اجتماعی و کارکردی علوم حوزوی در نظام حاکمیت دینی و چشم دوختن افراد کم‌ظرفیت و طمع‌ورز به تسخیر فضاها و جایگاه‌ها، بدون داشتن صلاحیت‌های لازم.

● وجود مدرک داران بدون توانمندی و فاقد تجربه و کارایی، نباید هرگز این ذهنیت را پدید آورد که داشتن مدرک مضر است و حوزه‌ها را از تلاش مخلصانه و سخت‌کوشانه دور می‌سازد، زیرا باید توجه داشت که در فضای بی‌مدرکی چه میزان افراد ناتوان و مدعیان ناکارآمد و ظاهرالصلاح‌های بی‌صلاحیت وجود دارند!

و رواج اندیشه مدرک‌گرایی در کل فضاهای اجتماعی و معیار قرار گرفتن مدرک برای حرمت‌گذاری به فرد و تمایل نشان دادن به شنیدن سخن و نظر فرد و حتی آزمون او. مدرک‌گرایی، هرچند به شکل رایج آن یک توهم و فقر فرهنگی باشد، اما یک واقعیت اجتماعی است که نادیده گرفتن آن، دست و پنجه نرم کردن با امواجی است که به سراغ انسان می‌آید و ناگزیر باید آن را پذیرفت و برایش تدبیری اندیشید. نقش مدرک در فرایند آموزشی حوزه‌های علمی وجود مدرک داران بدون توانمندی و فاقد تجربه و کارایی، نباید هرگز این ذهنیت را پدید آورد که داشتن مدرک مضر است و حوزه‌ها را از تلاش مخلصانه و سخت‌کوشانه دور می‌سازد، زیرا باید توجه داشت که در فضای بی‌مدرکی چه میزان افراد ناتوان و مدعیان ناکارآمد و ظاهرالصلاح‌های بی‌صلاحیت وجود دارند!

ای کاش حوزه‌های علمیه از ابزار و روشهای جدید برای شناخت آماری این مهم بیش از پیش بهره گرفته بودند و امروز با آمار مستند و سنجش علمی نشان می‌دادند که چه تعداد نیروی انسانی، با چه میزان استعداد فردی و اندوخته علمی در طول ده سال وارد حوزه‌های علمی شده‌اند، هر مطلبه به طور میانگین در سال چند ساعت از وقت خود را صرف دانش کرده‌است، چه میزان برای فضاهای درسی، تأمین استاد و امکانات، شهریه طلاب و ... هزینه شده‌است و در نهایت از آن مجموع چه تعداد نیروی کارآمد و توانمند با چه توانایی و تخصصی به جامعه عرضه شده‌است.

اگر روزی چنین آماری به‌طور دقیق و عینی به دست آید، به یقین مسوولان حوزه‌های علمیه درخواهندیافت که حرکت‌های سلیقه‌ای، آموزش‌های جزیره‌ای، مدارس پراکنده با روشهای ابداعی و ایده‌های متفاوت و گاه متناقض، هرگز نمی‌تواند تضمین‌کننده روح دیانت و دین‌باوری در میان نسلهایی باشد که به دلیل تحصیلات مختلف دانشگاهی، خود را صاحب نظر می‌دانند و یک سر و گردن از کسانی که فاقد مدارک و مراتب آنها نیستند، بالاتر به حساب می‌آورند. نامشخص بودن توانایی و تخصص و میزان تحصیلات

حوزوی روحانیان در سطح جامعه سبب شده‌است که مردم و به ویژه نسل جوان که از تجربه کمتری برخوردارند، همه سطوح مختلف علمی حوزوی را با کسانی بسنجند که در زندگی اجتماعی با آنها مواجه می‌شوند.

کافی است که یک جوان در یک برخورد اجتماعی از فردی که صرفاً لباس روحانی بر تن دارد و ظاهری آراسته داشته‌باشد، سوالی را بپرسد و او جوابی غیرعلمی به او بدهد یا حرکت و منشی غیرمعمول از او مشاهده کند.

جوان این نمونه‌ها را تعمیم می‌دهد، چراکه هیچ ملاکی برای تمایز در اختیار ندارد.

جوان که هیچ، بلکه حتی افراد تجربه‌یافته و گاه مسوولان فرهنگی نیز گرفتار این سردرگمی می‌شوند.

اینجانب به دلیل حضور در فضاهای دانشگاهی و ارتباط با مسوولان آموزشی به وضوح دریافته‌ام که مسوولان فرهنگی به دلیل مواجهه با چهره‌ها و سطوح مختلف علمی حوزویان، به آسانی نمی‌توانند موضع خود را در برابر یک نیروی حوزوی تعیین کنند و انتظارات خود و جایگاهی که می‌بایست برای آن در نظر گرفته شود، مشخص نمایند.

وجود مدرک، آن هم به شکل قانونمند، علمی و هماهنگ و دارای اعتبار کشوری و حتی بین‌المللی می‌تواند آثار مثبت ذیل را به همراه داشته‌باشد.

۱. توده طلبه‌ها و عموم آنها برای فراگیری منظم دانش انگیزه بیشتری پیدا می‌کنند و اوقات آنها، کمتر به نشست‌ها و گفتگوهای غیرضروری و فعالیتهای جنبی غیرعلمی اختصاص خواهد یافت.

۲. پاسخگویی حوزه به نیازهای دینی، اعتقادی و فرهنگی جامعه به صورت دقیق‌تری صورت خواهد گرفت و مشخص خواهد شد که اصولاً چند زمینه فعالیت و خدمت در سطوح مختلف اجتماعی، آموزشی و فرهنگی وجود دارد و چند نیرو با چه تخصص‌ها و گرایش‌ها و توانمندی علمی باید تربیت کرد.

۳. شیوه ارتباط مردم و بهره‌گیری آنان از معلومات و اندوخته‌های علمی و تجربی نیروهای حوزوی، ابهام زدایی خواهد شد و ضابطه‌ای نسبی برای جامعه به دست خواهد داد تا چه پرسشی را با کدام نیروی حوزوی در میان بگذارند و از کدام فرد روحانی، چه انتظاری داشته‌باشند.

۴. وجود مدرک معتبر و پذیرفته‌شده علمی، هماهنگ با مراکز آموزش عالی کشور، می‌تواند زمینه ارتباطات علمی و فرهنگی بیشتری را میان حوزه و دانشگاه و نیز مراکز علمی جهان پدید آورد. و اما کاستی‌ها و مشکلاتی که از ناحیه مدرک حوزوی ممکن است پدید آید، در مقایسه با برکات و ثمرات مثبت داشتن مدرک، بسیار ناچیز است و نباید خیر کثیر را به خاطر شرقلیل از دست داد. به علاوه که کاستی‌ها را با تدبیر و برنامه‌ریزی نیز می‌توان کاهش داد و یا از میان برداشت و ضعف‌ها را به قوتها مبدل ساخت.

● مطرح بودن مدرک، فرایند آموزشی را بیشتر خواهد کرد آنها که طالب علم هستند می خواهند عالمان صاحب صلاحیت علمی را پیدا کنند که از آنها بیاموزند کتابها و تألیفات آنها را تهیه و مطالعه کنند بدون تردید مدرک می تواند نشانه صدقی باشد برای این منظور.

۱. امروز به برکت پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی دین و مدافعان از آن در دنیا و در جوامع علمی و فرهنگی مطرح هستند و از وجود دانایان و عالمان دینی انتظار استفاده و بهره‌مندی دارند و در برخی از دانشگاههای معتبر دنیا نیازمند عالمان دینی و شیعی هستند. اینکه جمهوری اسلامی بتواند به این درخواستها پاسخ مثبت دهد مستلزم این است که طبق متعارف عمل کند. یک نفر که به عنوان استاد به فلان دانشگاه اعزام می شود باید مدرک قابل ارائه داشته باشد و الی غیر ذلک.

آن و دفاع کردن از آن و امر به معروف و نهی از منکر کردن قولا و عملا که همیشه همراه با حرمانها از لذت و مشتهیات بوده شناخته می شده است و مقوله مدرک با این مقوله ناسازگار است. لکن این را می شود به نظر من پاسخ داد به اینکه: از همان اول فلسفه اعطای مدرک در حوزه بازگو شود و تفهیم شود به محصل حوزوی که برای او استخدام و غیر ذلک اگر هم باشد باید از فوائد باشد نه اغراض و اهداف. هدف او باید همانها باشد که در بالا شمرده شد و اخذ مدرک در راستای دخالت در تأمین هدف او باید قرار بگیرد.

۲. مادر زمانی که در حوزه مشغول تحصیل بودیم آرزو می کردیم ای کاش معیاری در حوزه وجود می داشت که به موجب آن بین دو نفر معمم که یکی واقعا زحمت کشیده و درس خوانده و ملا است و یکی که به کلی از علم و فضل بی بهره است بشود فرق بگذارند و باز شناخته شوند. درست است که اهل علم که با این دو نفر برخورد می کردند و مسئله ای مطرح می شد سره را از ناسره تشخیص می دادند ولی این مختص به محیطهای علمی بود و بعد از دهها فقره سوء استفاده از ناحیه آن نااهل و حرمانها از ناحیه آن اهل، ممکن بود چنین واقعه ای صورت بپذیرد و در این رابطه داستانها در کتابها آمده که بعضی از آنها تأثر انگیز است. اعطای مدرک موجب می شود این دغدغه از میان برود و معروف شود که لهیگل قسط من الثمن و طلاب و محصلین علوم دینی و حوزوی دلگرم شوند. و به انگیزه اخذ مدرک تحصیلی هم که شده تعداد بیشتری از شاغلین در حوزه های علمیه در امر تحصیل جدی تر برخورد کنند که این خود مطلوب است و از همه مهمتر اینکه طالب علوم دینی در حوزه می داند برنامه تحصیل در حوزه علمیه جهت اخذ مدرک علمی چیست و در چه مدت باید آن را بگذراند و ارزش آن در حوزه و در وزارتخانه ها و ادارات و در خارج از ایران چیست؟ و این فوق العاده مهم است برای مشغول به تحصیل در حوزه های علمیه.

۴. مطرح بودن مدرک، فرایند آموزشی را بهتر خواهد کرد آنها که طالب علم هستند می خواهند عالمان صاحب صلاحیت علمی را پیدا کنند که از آنها بیاموزند کتابها و تألیفات آنها را تهیه و مطالعه کنند بدون تردید مدرک می تواند نشانه صدقی باشد برای این منظور. وقتی می بینند آقای دکتر فلان درس را ارائه می کند یا فلان کتاب را نوشته است. با رغبت بیشتر و با اطمینان قزونتر آن کتاب را تهیه و مطالعه و آن درس را استماع می نمایند و نیز آنها که صاحبان صلاحیت علمی هستند وقتی مدرک دارند جرأت می کنند خود را مطرح کنند درس بگویند و کتاب تألیف کنند و امثال اینها.

۳. ممکن است کسی بگوید این امر قداست حوزه را زیر سؤال می برد زیرا مدرک وقتی که به کسی داده شد او با ارائه این مدرک می تواند استخدام شود و خلاصه تحصیل در حوزه مقدمه اخذ مدرک به منظور استخدام در وزارتخانه ای و اخذ حقوقی و اشتغال به زندگی و تأمین بهتر معیشت زن و فرزند می شود و این وضع با آن هدفی که در طول عمر با برکت حوزه، اهل حوزه داشته اند سازگار نیست. در حوزه هدف خوب شناختن اسلام از اصول و فروع و عمل کردن به دستورات

۵. شبیه ای نیست که حوزه اگر بخواهد ارتباط کافی با دانشگاهها در داخل کشور داشته باشد، جلسات علمی تشکیل دهد استاد مبادله کند. مقالات برای نشریات بفرستد و حتی در شهرها و یاروستاها روحانی اعزام کند و از این طریق با آنان ایجاد ارتباط بنماید با در اختیار داشتن صاحبان مدارک معتبر علمی این منظور سهل تر عملی می گردد. اینها قابل انکار نیست. نیز اگر حوزه بخواهد با خارج از کشور ارتباطات علمی و فرهنگی داشته باشد که باید داشته باشد بدون تردید با اعزام افراد صاحب مدرک می تواند این منظور را تأمین کند. در هر حال به نظر من مسئله مدرک در حوزه برکات زیادی خواهد داشت و حوزه را از وضعیت بلبشوی می رهاشد.

### فلسفه اعطای مدرک تحصیلی به حوزویان

بر اساس اصل سندیت که از جمله اصول فرعی تعلیم و تربیت به حساب می آید، کلیه نظامهای تعلیم و تربیت به ناچار نیازمند درجه بندی و اعطای مجوزها و مدارک تحصیلی هستند تا بدین وسیله فرق بین ظرفیتهای علمی افراد در پایه ها و رتبه های گوناگون علمی مشخص و متمایز گردد. بنابراین بر این اساس اصل فوق حوزه علمیه نیز به عنوان یک نظام آموزشی به ناچار باید اقدام به اعطای مدارک تحصیلی بنماید تا میزان توانایی ها و ظرفیتهای علمی طلاب از همدیگر متمایز و مشخص گردد.

### آثار و پیامدهای مثبت اعطای مدرک تحصیلی به حوزویان

۱. داشتن مدرک بر روی افکار عمومی و طرز تلقی افراد از حوزویان تأثیر می گذارد و موقعیت اجتماعی مناسبی را برای روحانیت رقم می زند.

۲. اعطای مدارک تحصیلی به حوزویان، راه سوء استفاده های احتمالی برخی از افراد را که در مقام و شأن لباس روحانیت نیستند، می بندد و مدارج و رتبه های علمی افراد نیز اصلاح تعریف می گردد.

### آثار و پیامدهای منفی اعطای مدرک تحصیلی به حوزویان

۱. در نظام آموزشی اسلامی (حوزوی قدیم) آنچه که اصالت دارد، علم است. شاگرد آزادانه و از روی انگیزه واقعی به دنبال استاد می رود. استاد را خود انتخاب کرده و مصرانه در درسهای او شرکت می کند. لیکن در نظام آموزشی جدید که مبتنی بر مدرک گرایی است، اصالت با معلومات نیست، زیرا انتظاری که از متعلم و شاگرد می رود، در حد همان دریافت مدرک است. شاگرد چه بخواد و چه نخواهد، نظام آموزشی جدید گستره فعالیت او را محدود می سازد.

۲. نظام آموزشی اسلامی (حوزوی) به تعمق، تفکر و تجزیه و تحلیل مطالب اهمیت فراوان قائل است و محدوده آن وسیع است. لیکن نظام آموزشی جدید که مدرک گرایی از خصیصه های آن است، فرصتی را برای تعمق و تفکر فراوان باقی نمی گذارد زیرا شاگرد مجبور است خودش را به پایه های بالاتر و هم قطاران خود برساند. بنابراین مدرک گرایی در کسب دانش و معلومات رواج می یابد.

۳. روحیه معنوی و کوشش واقعی برای کسب علم در نظام آموزشی اسلامی (حوزویان) قوی تر از نظام مدرک گرایی باشد.

۴. یکی از عمده ترین ویژگی های مثبت نظام آموزش اسلامی (حوزوی) تأکید بر بحثهای کلاسی، بحث گروهی و بحثهای طرفینی است. لیکن با توجه به مکانیسم ارتباطی حاکم بر نظام آموزشی جدید، روحیه بحث و مذاکره علمی کم رنگ شده و در مواردی فراوان از بین می رود.

۵. در نظام آموزشی اسلامی (حوزوی) دغدغه خاطر حاکم بر امتحانات نظام آموزشی جدید وجود ندارد. بنابراین شاگرد به فکر یادگیری و حل مسأله است. به عبارتی دیگر در نظام آموزشی جدید، بخشی از اراده و تمرکز فکری شاگرد مصروف مسائل مربوط به امتحان می شود.

چگونگی هم پذیر ساختن اعطای مدرک با اهداف آموزشی و تربیتی حوزه و کاستن از آفات و عوارض آن سنتهای حاکم بر نظام آموزش اسلامی (حوزه) نشان دهنده موفقیت های چشم گیر و تربیت علما و دانشمندان توانمند و طراز اول در علوم دینی بوده است. بنابراین یکی از بهترین شیوه های هم پذیر ساختن، حفظ و احیای سنتهای حاکم بر نظام قدیم می باشد. به نظر می رسد نظام آموزشی جدید برخی سنتهای لازم را کنار گذاشته و بیشتر تحت تأثیر سنتهای موجود در نظام آموزشی جدید قرار گرفته است. در صورتی که با رعایت بخشی از سنتهای قدیم هم می توان به نوآوری و تغییر پرداخت. به عبارت دیگر حفظ عناصر سنتی مثبت در شیوه قدیم باید مدنظر قرار گیرد و کلاکار گذاشته نشود. از جمله این سنتها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- وجود رابطه صمیمی و دوستی بین استاد و شاگرد.
- ۲- ایجاد محیط ساده و بی آرایش آموزشی
- ۳- سیره درخواست و اعطای اجازه روایت و اجتهاد
- ۴- نوشتن و ارائه شفاهی تقریر درس استاد توسط شاگردان

نقش مدرک در ارتباطات علمی با مراکز علمی - دانشگاهی

از آنجا که تأکید رابطه بین حوزه و دانشگاه و آشنایی طلاب علوم دینی با علوم جدید از جمله تأکیدات امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری می باشد، بنابراین می توان با هم طراز ساختن مدارک تحصیلی حوزوی با مدارک دانشگاهی، موانع و محدودیت های قانونی ادامه تحصیل و رابطه طلاب در دانشگاهها و سایر مراکز علمی در داخل و خارج از کشور را مرتفع ساخت. بنابراین نقش مدارک علمی حوزه در این رهگذر نقشی انکارناپذیر می باشد.



به اعتقاد بنده داشتن مدرک تحصیلی حوزوی و یا دانشگاهی در رشته‌های مورد نیاز جامعه، امری اجتناب‌ناپذیر است. امروزه به هیچ کس بدون داشتن مجوز، اجازه ورود به هیچ کاری را نمی‌دهند. کسی که گواهینامه راهنمایی و رانندگی دریافت نکرده و آموزشهای نظری و عملی را ندیده، حق رانندگی ندارد؛ چگونه ممکن است افرادی سالیان سال در حوزه‌های علمیه به تعلیم بپردازند و به مدارج علمی والا برسند، اما مدرکی که نشان‌دهنده این همه سال تحصیل و تحقیق باشد، در اختیار نداشته باشد. امروزه برای حوزوریانی که حتی به امر تبلیغ سنتی هم بسنده می‌کنند؛ مدرک تحصیلی و گواهینامه معتبر علمی لازم است. چون تبلیغ دین و بیان احکام و مسائل شرعی هم یک دانش است و هم یک فن و هنر. بنابراین مبلغ دینی باید آموزه‌های دینی را با آرایه‌های هنری به هم آمیزد تا بتواند در مخاطبان خود به خوبی اثر مثبت بگذارد.

با توجه به اینکه امروزه نظام آموزش عالی کشور ما به گونه‌ای است که دانش‌آموختگان آن در هر مرتبه و مرحله‌ای، موفق به دریافت دانشنامه تحصیلی معتبر و دارای ارزش استخدامی در مؤسسات و نهادهای ذیربط می‌شوند، هم‌ترازی و یکسان‌سازی نظام آموزشی حوزه با دانشگاه از این جهت، تلاش ارزشمند و مطلوب برای ارج نهادن به فرهیختگان و دانش‌پژوهان و دانش‌وران حوزه‌های دینی و علمی است. و میدان مسابقه‌ای است برای رشد و تعالی بیشتر اهل علم و در همان حال ارزیابی عملی برای شناخت چهره‌های برجسته و شاخص علمی - تحقیقی و حذف نیروهای کم‌کار و سهل‌انگار.

متأسفانه از دیرباز دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور به مدرک‌گرایی و حوزه‌های علمیه دینی به بی‌نظمی شهرت یافته‌اند؛ مرکز نخست باید دانش و دانش‌پژوهی و تربیت چهره‌های ارزشمند علمی برای تأمین نیازهای بخشهای گوناگون علم و صنعت و کشاورزی و تحقیقات و فناوری باشد. از جمله شاخص‌های توسعه و رشد جامعه در گرو رشد علمی در مراکز آموزش عالی است. حوزه‌های دینی نیز می‌باید مرکز شکوفایی دانش دین و رشد و توسعه علوم الهی و انسانی و الگوی نظم و انضباط اجتماعی و فردی باشند. به گفته یکی از استادان ارجمند و ممتاز حوزوی و دانشگاهی، از وحدت حوزه و دانشگاه، متأسفانه چیزی جز نفوذ و رشد مدرک‌گرایی از دانشگاهها به حوزه‌های علمیه و بالعکس رسوخ بی‌نظمی از حوزه‌ها به دانشگاهها حاصل نشد.

این خطر روزافزون ممکن است حوزه‌های علمیه را تهدید

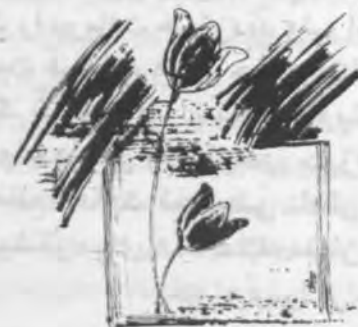
قال الله تبارک و تعالی:  
«برفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اوتوا العلم درجات»  
(مجادله | ۱۱)

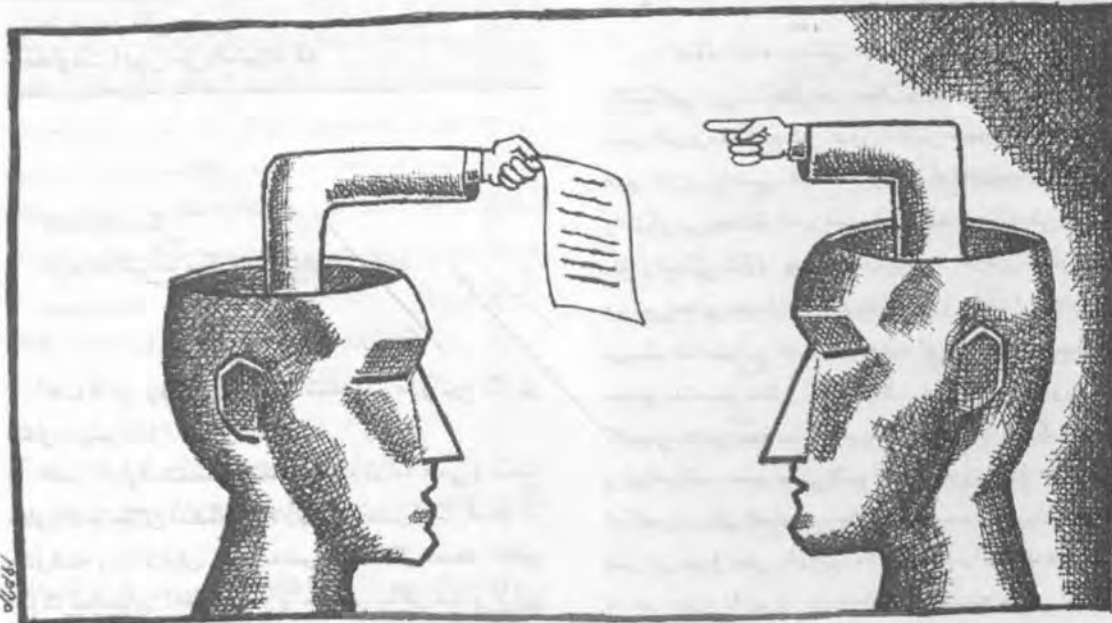
اصولاً در ارتباط با «مدرک تحصیلی» دو نوع نگرش متفاوت وجود دارد:

الف. مدارک تحصیلی نشان‌دهنده مرتبه علمی و سطح معلومات و میزان آمادگیهای لازم و تخصص و کارآمدی در یک رشته و یا گرایش علمی خاص است. اگر فلسفه اعطای مدرک تحصیلی؛ دانشگاهی و یا حوزوی، با این دید و از این زاویه باشد، مسلماً امری پسندیده و مطلوب خواهد بود؛ چه اینکه در هر نظام آموزشی، دانش‌پژوهان و یا دانشجویان مراحل مختلفی را - تا رسیدن به هدف نهایی که تخصص و کارآمدی در علم یا علوم ویژه‌ای است - طی می‌کنند. بدیهی است کسانی که در مرتبه نخست آموزشی و پژوهش قرار دارند، یا کسانی که در مراحل متوسط یا پایانی هستند به لحاظ موقعیت علمی یکسان نیستند. کارنامه آموزشی - علمی است که این موقعیتهای متفاوت را نشان می‌دهد.

بسیاری از نقشهای اجتماعی و یا مسؤولیت‌های آموزشی در نهادهای علمی و مراکز دینی، تابعی از جایگاه و شخصیت علمی افراد تحصیل‌کرده است.

ب. مدرک تحصیلی به هیچ وجه، میزان و مرتبه علمی و چند و چون مهارت و تخصص افراد را نشان نمی‌دهد؛ بنابراین وجود مدارک تحصیلی ابزاری است برای استخدام و جذب در بازار کار و جلب منافع بیشتر. با این ذهنیت، بحث درباره این موضوع، به معنای سوق دادن صنف روحانی و حوزه‌های علوم دینی به سمت مدرک‌گرایی و دور شدن از اهداف نخستین تعلیم و تربیت، یعنی خودسازی و جامعه‌سازی است.





منتظم، برنامه‌ها و دوره‌های تخصصی آموزشی باید به سرعت توسعه یابد و تعداد بیشتری از جمعیت مشغول به تحصیل در حوزه را در بر بگیرد. و اگر چنین وضعیتی به نحو کامل و مطلوب پدید آمد، دیگر دادن مدرک تحصیلی هرگز با اهداف آموزشی و تربیتی حوزه ناسازگار نخواهد بود. چه اینکه دانش‌آموختگان حوزه نیز، کارایی لازم را برای انجام مسؤلیت‌ها و تعهدات اجتماعی و علمی خواهند داشت. و هرگز تحصیل کرده حوزه احساس بیهودگی نخواهد کرد. در عرصه‌های مختلف تبلیغ، نویسندگی، قضا، خطابه، تدریس، تحقیق، مدیریت، هنر، و جز آنها توانایی‌های مفید را به دست خواهد آورد و در نهایت به کار خواهد بود.

کند که به تدریج برخی هواپوس مدرک‌گرایی در ذهن و دل آنان بیفتد. و به این بهانه، حوزه درس و بحث را رها کرده و صرفاً به دانشگاهها رو آورند و دروس پرمایه علمی و حوزه‌های بحث و نقادی حوزه را به چند واحد درس و چند ساعت حضور در کلاس و گذراندن چند ترم در دانشگاه، مبادله کنند.

۴

نظام آموزشی حوزه از آغاز تا انجام باید بر اساس برنامه‌ریزی دقیق و کار کارشناسانه مطابق و متناسب با اهداف آموزشی و تربیتی و نقش والای هدایتی و نظارتی حوزه‌های علمیه انجام پذیرد. به جرئت می‌توانیم بگوییم که

● همچنان که در ارتباطات علمی با مراکز دانشگاهی، داشتن مدرک تحصیلی، نشان‌دهنده مرتبه علمی است، در ارتباطات فرهنگی حوزه‌های دینی نیز، بیانگر میزان کارآمدی و توانایی فرد در اثرگذاری فرهنگی است. در حوزه‌های سنتی پیشین استادان گرانقدر حوزه، با تعداد اندک شاگردان خود، به اندازه‌ای ارتباط علمی دوستانه و صمیمی داشتند که پس از گذشت چندسال تعلیم و تعلم، اکثر شاگردان، از استادان خود، اجازه اجتهاد و یا نقل حدیث را دریافت می‌کردند ولی امروزه با گسترده‌گی حوزه‌های درسی استادان و جمعیت فراوان، هرگز چنین امکانی برای شناخت استاد از شاگردان و یا ارتباط تنگاتنگ شاگردان با استادان خویش فراهم نمی‌آورد. و چاره‌ای نیست جز این که نظام مدیریتی و آموزشی حوزه به طور حساب شده و قانونمند و با کار کارشناسی منظم، مدارک تحصیلی دانش‌پژوهان حوزوی را آماده سازد و امکان بهره‌وری بیشتر برای همه علاقه‌مندان به علوم حوزوی را فراهم آورد.

با این وجود، مدارک تحصیلی حوزه متناسب با مدارج علمی، جایگاه و اعتبار و ارزش خود را پیدا خواهد کرد.

۵

اگر دانش پژوهان حوزوی در گرایشهای مختلف علمی نظیر تفسیر و علوم قرآن، حدیث، رجال، تاریخ، فلسفه، کلام، فقه، اصول، منطق، ادبیات، معانی بیان، ملل و نحل، تبلیغ، تدریس، قضاء و... با برنامه دقیق و منظم وارد شوند و در هر رشته خاص، تخصص پیدا کنند، اعطای مدرک تحصیلی به آنان کاری در خور و مناسب خواهد بود. مهم ترین معیار برای دادن مدرک، داشتن تخصص و مهارت علمی است. ارزشیابی دقیق و بهره مندی از استادان فن و خبرگان حوزه و دانشگاه برای بالابردن سطح معلومات دانش پژوهان بسیار سودمند و کارساز است.

۶

وضعیت جوامع علمی دانشگاهی، طوری است که حضور روحانیان و حوزویان با مدرک و تخصص، امکان فعالیت بیشتری دارند و افراد کم مایه و فاقد تجربه آموزشی و علمی، موفقیت نخواهند داشت. ممکن است برخی از شخصیت های برجسته علمی و ناموران حوزه های دینی، بدون داشتن مدرک تحصیلی دانشگاهی، بتوانند، با مراکز علمی - دانشگاهی، ارتباط برقرار کنند.

در دانشگاهها، حرف اول و آخر را تخصص می زند؛ کسانی که در حوزه علمی خود تخصص ندارند، هیچگونه جایگاهی ندارند. آثار و تألیفات و تحقیقات علمی و مقالات معتبر منتشر شده در نشریات داخلی و خارجی از جمله، شاخصهای تعیین موقعیت علمی استادان دانشگاهی است. مسلماً حضور علمی و رسمی اهل علم در دانشگاهها با مدارک و پشتوانه های علمی و تحصیلی معتبر، موثرتر و پرثمرتر خواهد بود.

۷

همچنان که در ارتباطات علمی با مراکز دانشگاهی، داشتن مدرک تحصیلی، نشان دهنده مرتبه علمی است، در ارتباطات فرهنگی حوزه های دینی نیز، بیانگر میزان کارآمدی و توانایی فرد در اثرگذاری فرهنگی است. در حوزه های سنتی پیشین استادان گرانقدر حوزه، با تعداد اندک شاگردان خود، به اندازه ای ارتباط علمی دوستانه و صمیمی داشتند که پس از گذشت چندسال تعلیم و تعلم، اکثر شاگردان، از استادان خود، اجازه اجتهاد و یا نقل حدیث را دریافت می کردند ولی امروزه با گستردگی حوزه های درسی استادان و جمعیت فراوان، هرگز چنین امکانی برای شناخت استاد از شاگردان و یا ارتباط تنگاتنگ شاگردان با استادان خویش فراهم نمی آید. و چاره ای نیست جز این که نظام مدیریتی و آموزشی حوزه به طور حساب شده و قانونمند و با کار

● داشتن مدرک تحصیلی حوزوی و یا دانشگاهی در رشته های مورد نیاز جامعه، امری اجتناب ناپذیر است. امروزه به هیچ کس بدون داشتن مجوز، اجازه ورود به هیچ کاری را نمی دهند. کسی که گواهینامه راهنمایی و رانندگی دریافت نکرده و آموزشهای نظری و عملی را ندیده، حق رانندگی ندارد؛ چگونه ممکن است افرادی سالیان سال در حوزه های علمیه به تعلیم بپردازند و به مدارج علمی والا برسند، اما مدرکی که نشان دهنده این همه سال تحصیل و تحقیق باشد، در اختیار نداشته باشد. امروزه برای حوزوریانی که حتی به امر تبلیغ سنتی هم بسنده می کنند؛ مدرک تحصیلی و گواهینامه معتبر علمی لازم است. چون تبلیغ دین و بیان احکام و مسائل شرعی هم یک دانش است و هم یک فن و هنر. بنابراین مبلغ دینی باید آموزه های دینی را با آرایه های هنری به هم آمیزد تا بتواند در مخاطبان خود به خوبی اثر مثبت بگذارد.

کارشناسی منظم، مدارک تحصیلی دانش پژوهان حوزوی را آماده سازد و امکان بهره وری بیشتر برای همه علاقه مندان به علوم حوزوی را فراهم آورد.

۸

همچنان که قبلاً عرض شد، اگر برنامه آموزشی حوزه های علمیه بر اساس یک نظام صحیح پایه ریزی شود و پس از یک دوره مشترک چند ساله، همه دانش پژوهان حوزوی بتوانند در یکی از رشته های تخصصی حوزه، ادامه تحصیل بدهند، اعطای مدرک به دانش آموختگان حوزه، در بهبود شناختار آموزشی نیز نقش بسزایی خواهد گذاشت.

لازم نیست، مدرک دانشگاهی باشد؛ مدرک تحصیلی حوزوی اما معتبر هم برای حوزه و هم برای دانشگاه و اگر بشود زمینه را برای اعتبار بین المللی حوزه به وجود آورد، کار بسیار ارزشمندی است. اینطور نباشد که مدرک تحصیلی و کارنامه درسی شورای مدیریت برای سازمان تبلیغات معتبر نباشد و مدارک تحصیلی دفتر تبلیغات به عنوان یک نهاد حوزوی برای عقیدتی سیاسی سپاه بی اعتبار باشد و دست کم مدارک اعطایی برای نهاد اعطاء کننده دارای اعتبار و ارزش باشد.

امیدوارم به همت همه دلسوزان حوزه گامهای مؤثر و مفیدی در جهت رشد و تعالی نظام آموزشی و دارای حوزه های علمیه و در نتیجه پیشرفت اهل علم و حوزویان به سمت اهداف عالی تعلیم و تربیت اسلامی برداشته شود.



**نگاه :** در ابتدا از سیر شکل گیری و طرح و تصویب اعطای مدرک در حوزه خراسان بگویید.

این جریان از چندین سال قبل یعنی از دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی که ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی را به عهده داشتند آغاز و تعقیب شده است. در قم که تا حدی پیشرفته تر از سایر حوزه هاست شاید اجراء هم شده ولی در مشهد بخاطر اینکه بعضی از ویژگی ها دارد و نظر مسئولین ذیربط و مشخصا خود نماینده محترم ولی فقیه و مدیریت عالی حوزه این بود که با حجم و بزرگی حوزه مشهد، خودش شاید بتواند مستقلا و مستقیما اقدام بکند.

بدین ترتیب مراحل کار پیگیری شد و چند ماهی است که به نتیجه رسیده و حوزه مشهد هم این مجوز و امکان را پیدا کرد که طبق ضوابط علمی مملکت به طلبه ها مدرک بدهد. لیکن برای اجرای چنین کاری، نیاز بود که امکاناتی هم فراهم بشود. لذا اکنون مدیریت حوزه در حال تجهیز و آبادی برای کسانی که درخواست مدرک دارند می باشد.

**نگاه :** به نظر شما انگیزه و دلیل مدرک دادن به حوزه چه بوده است؟

به نظر می رسد که شرایط جهانی و اجتماعی و کشوری، مسئولین را در جهت اعطاء مدرک متقاعد کرد. ممکن است شخصی مقدار زیادی معلومات و معارف را داشته باشد ولیکن در اجتماع ما باید یک میزانی برای بازگویی داشته باشیم علاوه بر آن، ممکن است شخصیت علمی هرکسی در یک گفتگو اثبات شود ولی به هر حال این کار زمان می برد. الان با وضعیت موجود، با ارتباطاتی که هست و با وظایفی که پیش آمده زمینه های کاری جدیدی نیز پیدا شده که قبلا این جور چیزهایی نبود. الان مراکز علمی مادر مراکز علمی دنیا کم و بیش، کرسی تدریس در اختیار می گیرند و هر کس بخواهد آنجا تدریس بکند بایستی طبق موازین بین المللی مدرک داشته باشد. هرکاری را که بخواهد انجام دهد چه کار فرهنگی یا سفارتی باید مدرک داشته باشد. در داخل هم میزانی که مجامع علمی دارند، همین مدارک است. اصلا اجتماع ما، همین مدارک را می شناسد، باید بگوییم که مدرک، خودش را بر حوزه ها تحمیل کرده است.

**نگاه :** پیامدهای مثبت مدرک در حوزه چه می تواند باشد؟

به هر حال مهمترینش این است که با استفاده از همین عنوان به او اجازه می دهند که در مجامع علمی، صحبت بکند

و در خود کشور ما هم همینطور است. مثلا در محیط های علمی مثل دانشگاه، اگر این عنوان را داشته باشد، چا افتادگی دارد. آن کس که مدرک دارد طبق ضوابط می تواند کرسی تدریس داشته باشد. و این مسائل را نمی توان نادیده گرفت. از این طرف اگر روحانیت از این مراکز، غایب باشد، خیلی ظلم به اسلام است و نمی تواند وظیفه اش را به درستی انجام دهد. زبان قوم فعلا همین مدرک شده که حرکت ما را نیز در همین راستا قرار می دهد.

**نگاه :** پیامدهای منفی مدرک در حوزه و راه و یاراههای کاستن از پیامدهای منفی چیست؟

من خودم شخصا خوف و خطری از پیامدهای منفی آن ندارم. زیرا بطور مثال آدمهایی که اهل کار نیستند و حوصله درس خواندن ندارند، در هر شرایطی هم که قرار بگیرند، درس نمی خوانند. و برعکس آنها که رسالتی برای خودشان دارند در همین شرایط هم، برای مدرک درس نمی خوانند. من یادم هست که قبل از انقلاب می گفتند: فلان شخصیت هندی که در دوران مبارزه هند با استعمار انگلیس ۳ تا دکترا گرفته بود، مدارکش را آتش زده و گفته بود: من برای مدرک، کار نمی کنم. به نظر من کسانی که اهل مطالعه اند و در شرایط نداشتن مدرک هم تلاش و زحمت می کشند، کار را هم همانها انجام می دهند، شاید برای آنها که زحمت نمی کشند همین مدرک موجبات تلاش و زحمت را فراهم بیاورد و آنها را مجبور کند تا خودشان را با وضعیت مشابه تطبیق بدهند.

پیرامون کاستن عوارض مدرک گرایبی باید گفت که با توصیه های بزرگان و اساتید باید این فضا سازی تقویت بشود که مدرک، هدف نیست و طلاب نباید به مدرک قانع بشوند تا اینکه در درازمدت این به صورت یک فرهنگ در بیاید و همین فرهنگ مثبتی که اکنون در حوزه هست به آن جا منتقل شود.

به هر حال ما یک عوارض گریزناپذیری خواهیم داشت چنانکه هم اکنون نیز در همین شرایط قبل از اعطاء مدرک نیز عوارض منفی کمی نداریم. در همین شرایط کسانی هستند که در حوزه درس خوانده و از امکانات آن استفاده می برند لیکن خاصیت فرهنگی - فکری ندارند یا خیلی کم دارند. یکی از ضایعات دیگر روند قبلی حوزه این بود که افراد خودشان در یک فکر ویژه ای که داشتند، کار می کردند و در آن مورد خیلی هم زحمت می کشیدند لیکن بخاطر اینکه کارهایشان عمیق یا اساسی نبوده، شخصیت علمی نمی شدند. برای جلوگیری از کلیه عوارض مدرک، به نظر من نباید فرهنگی را که الان در حوزه ها هست، از بین برود و کسانی که قانع به مدرک نیستند تشویق شوند. ضمن اینکه از محسنات مدرک می توانیم این را ذکر کنیم که کسانی که محتوای علمی ندارند

● شرایط جهانی و اجتماعی و کشوری، مسئولین را در جهت اعطاء مدرک متقاعد کرد. ممکن است شخصی مقدار زیادی معلومات و معارف را داشته باشد ولیکن در اجتماع ما باید یک میزانی برای بازگویی داشته باشیم. علاوه بر آن، ممکن است شخصیت علمی هرکسی در یک گفتگو اثبات شود ولی به هر حال این کار زمان می برد. الان با وضعیت موجود، با ارتباطاتی که هست و با وظایفی که پیش آمده زمینه های کاری جدیدی نیز پیدا شده که قبلا این جور چیزهایی نبود. الان مراکز علمی ما در مراکز علمی دنیا کم و بیش، کرسی تدریس در اختیار می گیرند و هرکس بخواهد آنجا تدریس بکند بایستی طبق موازین بین المللی مدرک داشته باشد. هرکاری را که بخواهد انجام دهد چه کار فرهنگی یا سفارتی باید مدرک داشته باشد. در داخل هم میزانی که مجامع علمی دارند، همین مدارک است. اصلا اجتماع ما، همین مدارک را می شناسد. باید بگوییم که مدرک، خودش را بر حوزه ها تحمیل کرده است.

و به تب مدرک دچار شده اند. کم و بیش شناسایی می شوند. نگاه: آیا ما می توانیم کاری بکنیم که مدرک گرایی در حوزه، اصل نشود و این اصل را نهادینه بکنیم؟ پیرامون فراغت از تحصیل که از عوارض مدارک است توضیح دهید؟

فرهنگی که تاکنون در حوزه حاکم بوده درس خواندن برای خدا بوده است. منتهی ممکن است در یکی دو نسل بعدی بامدرکی شدن حوزه، این تفکر با همین شدت و حدت نماند. لذا اساتید باید متوجه این فرهنگ بوده و آنرا حفظ بکنند. باید مقالات و نوشته ها و تشویقها در این مسیر فعال باشند. من مثال زدم فردی را که در هند، مدارکش را آتش زده بود. این نشان می دهد که او هیچ اعتنایی به مدرک نداشته و اعتمادش به شخصیت علمی خودش بوده است.

پیرامون مسأله فراغت از تحصیل باید گفت که متأسفانه مجامع علمی ما به همین بلیه مبتلا هستند. این خیلی خطرناک است که طلبه پس از گرفتن دکترا، احساس کند که کارش و کار آئیش تمام شده است. تصور این منظره برایم خیلی سخت است که طلبه به آنجا برسد که بگوید: حالا دیگر درس خواندن من تمام شد و بروم به زندگی ام بپردازم. این درست در حالی است که علم و فرهنگ و تفکر و اندیشه لحظه به لحظه دارد رشد می کند و اگر کسی پایه پایش کار هم بکند نمی تواند به آن برسد. اگر در قبل از این، انسانی با یک معلوماتی به صورت ۱۰۰٪ سرآمد بوده، الان اگر معلوماتش به روز نباشد نمی تواند سرآمد باشد. از این رو، اگر کسی احساس بکند که فارغ التحصیل شده، او در همان لحظه، دچار رکود و مرگ و انحطاط علمی شده است و این اگر در حوزه ها باشد، چیز خطرناکی است.

بعضی از بزرگان در لحظات جان دادنشان نیز، مسئله سؤال می کرده اند. طلبه تا وقتی که رمق و توان جسمی و

فکری دارد بایستی به کارهای علمی برنامه ریزی شده اش بپردازد و متوقف نشود. تازه در شرایط جدید که باید کارها تخصصی شود در این رشته ها هرکس هر قدر هم که کار بکند غیر از اینکه جلوی چشمش فضاهای وسیعتری باز بشود، به نهایت اصلانمی رسد. این عمر ماست که به نهایت می رسد و الا علم و معارف به نهایت نمی رسند. بنابراین امکان ندارد که طلبه ای هدف و رسالت انبیاء را پیگیری کند و در عین حال به فکر فارغ التحصیلی و پرستیژ و سایر عوارض منفی باشد.

نگاه: کیفیت متون، شیوه آموزش و سیاستگذاری آموزشی را در شکل مدرکی شدن تحصیلات حوزوی چگونه می توان همچنان عمیق نگه داشت؟

ما در یک برنامه ریزی حساب شده بایستی محتوای متون گذشته را که طلبه با آنها وزین و با کیفیت می شد از دست ندهیم. متون و کتابها باید از نظر زمانی ما را زودتر به نتیجه برسانند. بنابراین هم باید آن محتوای اصیل را تا حد امکان از دست ندهد و حفظ کنیم و هم شرایطمان را با شرایطی که الان آموزش عالی دارد، تطبیق بدهیم. باید بین سرفصلهای یک طرفین می گویند یک جامعی در نظر گرفته شود. ولی اینکه بگویم کدام کتاب و در چه زمانی، این کار اساتید اهل فن است.

لازمه به روز شدن در زمینه کتابهای آموزشی این است که تغییراتی در آنها تا جایی که ممکن است بوجود بیاید. کارهایی در قم و مشهد انجام گرفته است. بعضی از کتابها تلخیص شده اند که تاکنون در حوزه جا نیفتاده بعضی کتب هم به صورت گروهی و متمرکز در حال تدوین است و من نتیجه اش را نمی دانم ولی به هر حال ما ناچاریم وقتی که روبه مدرک آوردیم شرایط زمان را هم بپذیریم. لذا ممکن است کتابهایی را که قبلا می توانستیم بخوانیم، الان بخاطر عدم فرصت و زمان نخوانیم. اگر کسی کتب فقهی یا ادبی و منطق

**● فرهنگی که تاکنون در حوزه حاکم بوده درس خواندن برای خدا بوده است. منتهی ممکن است در یکی دو نسل بعدی بامدرکی شدن حوزه، این تفکر با همین شدت و حدت نماند. لذا اساتید باید متوجه این فرهنگ بوده و آنرا حفظ بکنند. باید مقالات و نوشته‌ها و تشویقها در این مسیر فعال باشند.**

خودش را ایفا می‌کند. من هیچ دلیلی نمی‌بینم برای کسی که هدفمند است و می‌تواند مدرک بگیرد و نمی‌گیرد. مدرک را بگیرد و داخل جیبش بگذارد. ما که نمی‌گوییم دنبال مدرک برود تانان و آبش تأمین بشود. خیر، اگر اهل کار است مدرکش را بگیرد.

**نگاه: اعطای مدرک چه تاثیری در خدمات اجتماعی روحانیون می‌تواند داشته باشد؟**

الان ما بر زمینه نیروی مدرک‌دار کمبودی نداریم بلکه مشکل در کمبود نیروی کیفی است. چرا که هر مدرک داری هم، کار آبی ندارد. بسیاری از میدانهای کاری، الان خالی است. این خلاء هم در داخل و در همین دانشگاهها و هم در خارج محسوس است. زمینه‌های این حضور هم، پاسخگویی به شبهات و کرسی‌های تدریس می‌باشند.

پیرامون مسأله کار و شغل پس از فارغ‌التحصیلی باید گفت که کسی حتی در مورد این همه دانشجویان حاضر هم قول کار نداده مگر بورسیه‌دارها ولی در مقایسه با وضعیت طلاب، بخاطر اینکه گستره فعالیت، وسیع است لذا کار و زمینه فعالیت زیاد است. بنابراین اولاً کسی که مدرک می‌دهد قول کار نمی‌دهد نه در دانشگاه و نه حوزه و ثانیاً نیاز به کار در مورد طلبه‌ها بسیار زیاد شده است. این نیاز هم در مجامع علمی و هم غیر علمی مطرح است. در مجامع غیر علمی مثل روستاها هم الان خیلی پیشرفته‌تر از قبل هستند. یعنی اینجوری نیست که فرضاً یک طلبه ناآگاه، بتواند پاسخگوی نیاز روستا باشد. در قوه قضائیه و نیروهای مسلح به طلبه به مفهوم واقعی طلبگی نیاز هست. در خارج هم که الی ماشاءالله زمینه هست و در آینده نیز بیشتر هم خواهد شد. و بطور کلی یا شاخصه اصلی و هدفی که طلبه در نظر دارد معنای فراغت از تحصیل یا بیکاری پس از طی مدارج علمی و اخذ مدرک، معنا و مفهوم ندارد.

آرزو می‌کنم که حوزه‌ها همچون گذشته، سنگرهای مستحکم اسلام باشند و علی‌رغم همه مشکلات و گرفتاریها، رسالت الهیشان را با کیفیت بیشتر و با مجهز شدن به ابزار و امکانات روز، انجام دهند. آن طلبه‌ایکه از نظر علمی قوی باشد ولی تحلیل سیاسی نداشته باشد و آن طلبه‌ای که از نظر علمی و سیاسی، قوی باشد ولی مذهب و متقی و زاهد و بی‌اعتنا به دنیانشد، حداقلش این است که در پیشگاه خداوند وظیفه‌اش را به درستی انجام نداده است. امروزه کسی کارایی دارد که در هر سه بعد علمی و سیاسی و اخلاق پیشرفت داشته باشد. این چنین نیرویی را ما هرچقدر هم که داشته باشیم، باز هم کم داریم. یک نمونه بارزش، امام (ره) بزرگوارمان بود که در تاریخ بشریت یک نقطه عطفی ایجاد کرد. امیدواریم که ان شاءالله این سنگرهای علمی، محکم و استوار باقی مانده و به روز شوند.

و اصول را کاملاً بخواند تا حدودی می‌تواند در چندین زمینه اطلاعات خوب پیدا کند اما الان با این شرایط که کارها تخصصی شده، نمی‌شود کار کرد. بطور مثال در زمینه ادبیات و معانی و بیان ما آن کتابهای حجیم را داریم که اگر کسی همه آنها را بخواند یک متخصص صاحب نظر خواهد بود. بنابراین ما چاره‌ای نداریم که در زمینه‌های مختلف، ادیب، منطقی، اصولی و یا فقهی تربیت بکنیم و غیر از این، شدنی نیست.

**نگاه: سهم مدرک در گسترش ارتباطات علمی به چه میزان است؟**

کسانی که استعداد دارند و در تحصیل علمشان هدفمند هستند حتماً سراغ مدرک بروند. این در حالی است که بعضی از دانشجویان لیسانسه که وارد حوزه می‌شوند، اگر آدمهای پخته عمیقی باشند، طلبه‌های موفق‌تری هستند. حرفهای اساتید مانیز در مجامع علمی در صورتی که مدرک نداشته باشند مورد دقت و پذیرش واقع نخواهند شد مگر نوادری که آنها نیز به لحاظ علمی، قضیه را اصلاح و جبران می‌کنند. الان شرایط طوری است که فرد شرکت‌کننده در همایش‌های داخلی یا بین‌المللی پس از ارائه کار علمی یا تحقیقی‌اش باید بگوید که مدرکم چیست؟ هرچند که مدرک فی‌الواقع در نظر ما خیلی اهمیت ندارد اما وقتی گفت با فلان مدرک، جا افتادگی چندین برابر دارد در حالی که اگر همان آقا، بدون مدرک باشد در همان مجمع علمی، حرفش نیز خیلی جا نمی‌افتد، گرچه صاحب نظر است ولی این جا شرایط این‌طور نیست.

کسی که رسالت و هدف دارد، هر جایی که نیاز به حضور او دارند، باید برود و حضور پیدا کند. الان در مورد کسانی که اندیشه سالم دارند و میانی دین و اسلام و نظام و امام را بخوبی می‌شناسند و تحلیل درست دارند به شدت احساس خلا می‌شود و از این طرف شرط ورود اینها داخل این مجامع، مدرک است. در خارج هم حضور طلبه چه به صورت مبلغ و چه نماینده جمهوری اسلامی و چه در کنفرانسهای بین‌المللی بامدرک، ممکن است و بدون مدرک خواه ناخواه کاستی‌هایی دارد.

از نظر اجتماعی هم پیرامون مسائل زندگی، مدرک نقش

### فلسفه اعطای مدرک به دانش‌آموختگان حوزه‌های علمیه چیست؟

فلسفه اعطای مدرک یک امر عقلی است. مدرک به معنای نشانه و علامت بر وجود یک امر خارجی است. برای مثال، مدرک مالکیت شما بر یک مال، سند مالکیت شما است یا مدرک دال بر تخصص یک معمار، تأیید همکاران اومی باشد. یا سند و دلیل مدعی نبوت معجزه می‌باشد. به هر حال وجود بسیاری از پدیده‌های واقعی یا اعتباری نیازمند مدرک، نشانه و دلیل است.

مدرک تحصیلی نیز یک سند حقوقی است که نشانگر معلومات و توانایی‌های خاص یک فرد می‌باشد. مدارک تحصیلی دو دسته‌اند. برخی توسط قانونگذار تأیید می‌شود که آن را مدارک رسمی می‌نامند و برخی داخلی می‌باشند که توسط هیچ مرجع رسمی تأیید نشده است. اینگونه مدارک گاهی در عرف خاصی مورد قبول و تأیید است و ارزش خود را از یک عرف خاص کسب می‌کند. برخی مدارک نیز صرفاً جنبه گواهی دارد و هیچ اثر قانونی بر آن مترتب نیست.

فلسفه اعطای مدرک به طلاب حوزه‌های علمیه نیز همین مبنای عقلی است. و فکر نمی‌کنم هیچ‌کس اصل اعطای مدرک به طلاب را نفی کند بلکه با دقت در استدلال‌های مخالفان اعطای مدرک به روشنی درمی‌یابیم که اشکال آنان به شکل و لوازم اعطای مدرک بازمی‌گردد.

سؤال این است که آیا تاکنون در حوزه‌ها مدرک وجود داشته یا خیر. به یک معنا همیشه در حوزه‌های علمیه مدرک وجود داشته است. منتهی نوع اعطای مدرک متفاوت بوده است. برجستگی‌های روحی و اخلاقی طلبه و گواهی‌ت خبرگان حوزه نسبت به علم و تقوی یک طلبه همه اینها به یک معنی برای طلبه مدرک محسوب می‌شده است.

این عرف حوزه برای جامعه حجت بوده است و براساس آن حتی مرجع تقلید خود را شناسایی کرده‌اند. اما مدرکی که در حال حاضر در حوزه‌ها مورد بحث است.

یک اعتبار حقوقی است که به تأیید یکی از مراجع قانونی کشور مانند شورای انقلاب فرهنگی یا مجلس شورای اسلامی رسیده باشد. طبیعی است این نهادها برای تأیید حقوقی یک مدرک خواستار تحقق یک سری معیارها و ملاکها خواهند شد که پذیرش آنها ممکن است برای حوزه‌ها آثار مثبت یا منفی به دنبال داشته باشد.

### آثار و پیامدهای مثبت اعطای مدرک به حوزویان چیست؟

چنانچه در پاسخ سؤال قبل بیان شد، گاهی مدرک در جامعه‌ای خاص، عرف آن جامعه است که از طریق معیارهایی آشکار می‌شود. این عرف در یک شرایطی ممکن است کارا باشد و در شرایط زمانی و مکانی دیگر چندان کارایی نداشته باشد. برای مثال، قبل از انقلاب حوزه‌های علمیه از نظر تعداد طلاب محدود و از حیث موضوعاتی که تدریس و تحقیق می‌شد نیز، محدود به فقه و اصول بوده است و انتظارات جامعه از حوزه‌ها نیز محدود بود. اما پس از انقلاب با گسترش نیازها روزه‌به‌روز مباحث مورد تدریس و تحقیق گسترش یافته‌اند. این شرایط فعلی ممکن است الزامات دیگری بر حوزه‌ها تحمیل کند.

به هر حال برخی از آثار مثبت اعطای مدرک جدید عبارت است از:

۱. نظام‌مند شدن تحصیل و تحقیق در حوزه‌ها، اعطای مدرک مستلزم تعریف دوره‌های تحصیلی، دروس و سرفصل‌های دوره و اهداف آموزشی آن دوره می‌باشد و همه این امور کمک زیادی به نظام‌مند شدن تحصیل طلاب خواهد کرد.

۲. تعریف رشته‌های جدید تحصیلی بر حسب نیازهای روز افزون جامعه. در هر حال جامعه اسلامی ما از سه جهت به حوزه‌های علمیه نیاز دارد. یکی تبلیغ دین و معارف اسلامی، دوم تربیت کارشناسان مختلف برای امور اجرایی جامعه، سوم تحقیق در مسائل مبتلا به نظام اسلامی و ارائه راه‌ها و روش‌های نوین جهت حل و فصل مسائل اجتماعی، پاسخگویی به این نیازها و انتظارات مستلزم ایجاد تغییراتی در نظام آموزشی و پژوهشی حوزه‌های علمیه است که خود به خود مستلزم تعاریف مدرک جدید علمی است.

● مدرکی که در حال حاضر در حوزه‌ها مورد بحث است، یک اعتبار حقوقی است که به تأیید یکی از مراجع قانونی کشور مانند شورای انقلاب فرهنگی یا مجلس شورای اسلامی رسیده باشد. طبیعی است این نهادها برای تأیید حقوقی یک مدرک خواستار تحقق یک سری معیارها و ملاکها خواهند شد

● اگر در نظام آموزشی و پژوهشی حوزه‌ها خصوصا مقاطع عالی تحصیلی، اساتید همانند گذشته نقش محوری داشته باشند، خودبه خود پدیده مدرک‌گرایی تضعیف خواهد شد. نظام آموزشی و پژوهشی استادمحور، نظامی است که در آن تعیین برنامه درسی، نظام ارزشیابی، طراحی پیش‌نیازهای درسی و سرانجام اعطای مدرک به دانشجو به طور عمده در اختیار اساتید می‌باشد. درسهای جدید را اساتید تعریف می‌کنند. استاد نقش مهمی در پایان‌نامه‌های تحصیلی دارد. متقابلا اگر طراحان سیستم همه این اختیارات را از موسسات علمی و اساتید بگیرند و به صورت متمرکز، راجع به آنها تصمیم بگیرند و هر روز آیین‌نامه و بخشنامه صادر کنند، در نتیجه شاهد پدید آمدن محیطهای آموزشی منفعل و راکدی خواهیم شد که هرکس به دنبال منافع و کار شخصی خود خواهد بود.

در سالهای اخیر موجب شد که به مسأله پایان‌نامه‌نویسی در حوزه‌ها توجه شود. رواج و گسترش رساله‌نویسی موجب رشد تحقیقات می‌شود و رشد پژوهشها زمینه لازم را برای تعریف دروس و دوره‌های جدید آموزشی فراهم می‌کند. شما با مطالعه در نظامهای آموزش عالی در دنیا ملاحظه می‌کنید که این دستاوردهای پژوهشی است که زمینه بسط و گسترش آموزش عالی را فراهم می‌سازد.

در پایان این سؤال باید عرض کنم که، آثار مثبت دیگری می‌توان برای مدرک ذکر کرد که درحقیقت آن آثار به نظام آموزشی و پژوهشی مطلوب برمی‌گردد. به‌رحال مدرک یکی از اجزای نظام آموزشی است. اگر کل سیستم درست کار نکند، ممکن است جزء مورد بحث کارکرد منفی داشته باشد.

**پیامدهای منفی اعطای مدرک تحصیلی به حوزه ؟**  
شاید مهمترین آفت مدرک، مسأله مدرک‌گرایی باشد. مدرک‌گرایی پدیده‌ای است که خود آثار نامطلوبی را به دنبال دارد. مدرک‌گرایی به این معنا است که تعلیم و تعلم و تزکیه که اساس حرکت حوزه‌های دینی بوده است، اصالت خود را نزد طلاب از دست بدهد و انگیزه آنان را در تحصیل به اخذ مدرک تنزل دهد تا تحصیل و تزکیه، طبعاً اگر طلبه‌ای محصل واقعی نباشد، مدرک را برای چه کاری می‌خواهد؟ احتمالا برای شغل، شهرت یا مقام و یا انگیزه‌های مادی دیگر که همه برای حوزه‌ها آفت بزرگی خواهد بود.

بنابراین آثار نامطلوب مدرک‌گرایی عبارت است از:

۱. از بین رفتن روحیه واقعی تحقیق و کسب دانش

۲. کاهش دقت و عمق عملی

۳. حاکمیت روحیه کسب درآمد و پول‌پرستی بر محیط علمی و ...

چگونگی هم‌پذیر ساختن اعطای مدارک با اهداف آموزشی و تربیتی حوزه و کاستن از آفات و عوارض آن در پاسخ این سؤال باید دید که چه عواملی موجب پدیده مدرک‌گرایی می‌شود و راههای مقابله با آن عوامل چیست؟ به نظر من برخی از عوامل به نظام آموزشی برمی‌گردد. از جمله می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد:

۱. سخت‌گیری بی‌مورد در پذیرش دانش‌پژوه و متقابلا رها کردن او در طول دوره تحصیل: ضرب‌المثلی است که می‌گوید، حکم دانشگاههای ما در پذیرش دانشجو، حکم قیف معکوس را دارد، یعنی وارد شدن در آن بسیار سخت است ولی ماندن و خارج شدن از آن بسیار راحت!

۲. فقدان اساتید کارآمد در محیط آموزشی.

۳. در برخی از محیطهای آموزشی مشکل کمبود اساتید

۳. وجود مدرک رسمی موجب شناسایی افراد در جامعه شده و به‌کارگیری نیروها را تسهیل می‌کند.

۴. اعطای مدرک برای برنامه‌ریزان حوزه، یک توفیق جبری است که با انجام مطالعات تطبیقی از مزایای سایر نظامهای آموزشی و پژوهشی موجود و از تجارب مفید بشری استفاده نمایند. برای مثال، مسأله اعطای مدرک



کارآمد وجود ندارد بلکه مشکل اساسی وجود قوانین و مقررات دست‌وپاگیری است که محیط آموزشی را شبیه یک محیط اداری و بعضاً نظامی می‌کند و اساتید در آن محیط نقش چندانی ندارند.

به نظر من کم‌بها دادن به نقش استاد در نظام آموزشی مهمترین دلیل پدیده مدرک‌گرایی است که در ادامه بحث بیشتر به آن خواهیم پرداخت.

۴. نظام ارزشیابی غلط از استاد و دانشجو در محیط آموزشی: متأسفانه امروزه در محیط‌های آموزشی حوزه و دانشگاه بیش از حد تکیه بر امتحانات کتبی می‌شود که درحقیقت سنجش میزان حافظه دانش‌پژوهان است. این نظام نمی‌تواند میزان فهم و قدرت تجزیه و تحلیل دانشجو را ارزیابی کند.

همچنین نوع ارزیابی‌هایی که از استاد به عمل می‌آید، غالباً اساتید را به سمت بی‌تفاوتی و جلب رضایت دانشجو سوق می‌دهد. بنابراین نظام ارزشیابی غلط از عوامل مهم پدیدآمدن مسأله مدرک‌گرایی است.

۵. افول ارزشهای معنوی و اخلاقی و حاکمیت فرهنگ مادی بر استاد و دانش‌پژوه نیز از عوامل مهم پدیدآمدن فرهنگ مدرک‌گرایی است. وقتی استاد برای کسب درآمد بیشتر تبدیل به ماشین تدریس می‌شود و مطالعه و تحقیق را کنار می‌گذارد و دانشجو نیز برای رفع مشکلات جاری خود تنها به فکر تمام کردن دروس و اخذ مدرک باشد. نتیجه کار روشن است.

۶. صرف نظر از عواملی که یک سیستم را از درون دچار افت و مشکل می‌کند، باید توجه داشته باشیم که هر نظامی از سایر نظامات و عوامل خارج از خود نیز تأثیر می‌پذیرد. برخی از عوامل مدرک‌گرایی به سایر نظامات اجتماعی بازمی‌گردد، برای مثال نظام اداری مدرک‌سالار و نظام اقتصادی و آموزشی دولت محور دو عامل مهم مدرک‌گرایی در کشور ما می‌باشد. بسیاری از مشاغل در حوزه تصدی دولت وجود دارد که نظام اداری حاکم بر آن عمدتاً بر داشتن مدرک تکیه دارد و مدرک نقش مهمی را در اعطای حقوق و مزایای مادی ایفا می‌کند. به نظر می‌توان به جز با عامل اخیر که راه حل آن خارج از تصمیم‌گیری مدیران آموزشی است، با سایر علل مبارزه کرد و آفات پدیده مدرک‌گرایی را کاهش داد و چه بسا مدرک‌گرایی را به عنوان یک فرهنگ منفی به حداقل ممکن رساند. با توجه به علل ذکر شده راههای زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. در قدم اول، بایستی برنامه‌ریزان به شدت مراقب فضای معنوی و اخلاقی حوزه باشند. طلبه‌ای که به قصد قربت و رضایت الهی تحصیل کند، طبیعتاً مسأله اخذ مدرک برای او اصل نخواهد بود.

● متأسفانه امروزه در محیط‌های آموزشی حوزه و دانشگاه بیش از حد تکیه بر امتحانات کتبی می‌شود که درحقیقت سنجش میزان حافظه دانش‌پژوهان است. این نظام نمی‌تواند میزان فهم و قدرت تجزیه و تحلیل دانشجو را ارزیابی کند.

افول ارزشهای معنوی و اخلاقی و حاکمیت فرهنگ مادی بر استاد و دانش‌پژوه نیز از عوامل مهم پدیدآمدن فرهنگ مدرک‌گرایی است. وقتی استاد برای کسب درآمد بیشتر تبدیل به ماشین تدریس می‌شود و مطالعه و تحقیق را کنار می‌گذارد و دانشجو نیز برای رفع مشکلات جاری خود تنها به فکر تمام کردن دروس و اخذ مدرک باشد. نتیجه کار روشن است.

۲. تقویت روحیه علم‌جویی و تحقیق در میان طلاب با استفاده از روشهای مختلف.

۳. طراحی نظام آموزشی استادمحور: اگر در نظام آموزشی و پژوهشی حوزه‌ها خصوصاً مقاطع عالی تحصیلی، اساتید همانند گذشته نقش محوری داشته باشند، خود به خود پدیده مدرک‌گرایی تضعیف خواهد شد. نظام آموزشی و پژوهشی استادمحور، نظامی است که در آن تعیین برنامه درسی، نظام ارزشیابی، طراحی پیش‌نیازهای درسی و سرانجام اعطای مدرک به دانشجو به طور عمده در اختیار اساتید می‌باشد. درسهایی جدید را اساتید تعریف می‌کنند. اساتید نقش مهمی در پایان‌نامه‌های تحصیلی دارد. متقابلاً اگر طراحان سیستم همه این اختیارات را از مؤسسات غلغلی و اساتید بگیرند و به صورت متمرکز، راجع به آنها تصمیم بگیرند و هر روز آیین‌نامه و بخشنامه صادر کنند، در نتیجه شاهد پدیدآمدن محیط‌های آموزشی منفعل و راکدی خواهیم شد که هرکس به دنبال منافع و کار شخصی خود خواهد بود.

در پایان این بحث، مجدداً تأکید می‌کنم باید به مسأله مدرک به عنوان چیزی از نظام آموزشی و پژوهشی مطلوب نگاه کرد. اگر خدای ناکرده نظام آموزشی خود دارای ضعف بوده و بر اصول و مبانی درستی استوار نباشد، در آن صورت اعطای مدارک نه تنها دردی دوا نمی‌کند و گاهی از مشکلات نمی‌گشاید، بلکه خود آفات خطرناکی به دنبال خواهد داشت که کارکردهای مثبت فعلی نظام حوزه علمیه را از میان خواهد برد.